

تاریخچه ی روز بین المللی زنان



کولنتای

تاریخ و ادبیات مارکسیستی

فهرست

تاریخچه‌ی روز بین‌المللی زنان

جشنی رزمنده

روز زنان چرا و چگونه سازمان یافت؟

اولین روز بین‌المللی

آیا روز زنان ضروری است؟

روز زنان کارگر روسیه

روز زنان کارگر به هنگام جنگ امپریالیستی

فراخوان ما برای رویارویی

وظایف نوین «روز زنان کارگر»

ترجمه: قره داغی

منبع: نشریه کارگر سوسیالیست شماره ۳۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴

تاریخچه ی روز بین المللی زنان

الکساندرا کولنتای در سال ۱۸۷۲ در روسیه به دنیا آمد. در ۲۶ سالگی برای تحصیلات دانشگاهی به سوئیس رفت، در آن زمان زنان از تحصیلات دانشگاهی در روسیه محروم بودند. او به هنگام بازگشت به پترزبورگ به مبارزات انقلابی پیوست. در سال ۱۹۰۹ به دنبال تهدید به دستگیری مجبور به ترک روسیه شد و تا ماه مارس ۱۹۱۷ در تبعید ماند. کولنتای در اولین حکومت بلشویک ها وزیر رفاه اجتماعی بود. او تنها زنی بود که چنین پستی داشت. کولنتای نوشته های بسیاری درباره ی مسأله ی زنان دارد. در نوشته هایش به تجزیه و تحلیل موقعیت زن در جامعه ی سرمایه داری و ارتباط مبارزات زنان با جنبش انقلابی و مبارزه برای سوسیالیسم پرداخته است؛ و خانواده، آموزش در جامعه، روابط شخصی انسان ها را بررسی می کند و به خوبی نشان می دهد که این پدیده ها به طور اساسی به نحوه ی سازمان اجتماعی مربوط می گردند. کولنتای مقاله ی «روز بین المللی زنان» را در سال ۱۹۲۰ نوشت، در این مقاله او به پیوند مبارزات زنان با مبارزات طبقه ی کارگر تأکید فراوان دارد.

جشنی رزمنده

روز زنان یا روز زنان کارگر، روز همبستگی بین المللی و روزی برای ارزیابی نیرو و سازمانیافتگی زنان کارگر است. اما این روز فقط برای زنان

ویژگی ندارد. هشت مارس روز تاریخی و فراموش نشدنی برای کارگران و دهقانان، برای تمام کارگران روسی و کارگران دنیا است. در ۱۹۱۷ در این سال، انقلاب عظیم فوریه آغاز شد. این زنان کارگر پترزبورگ بودند که این انقلاب را آغاز کردند، آن‌ها اولین کسانی بودند که تصمیم گرفتند پرچم مخالفت علیه تزار و همپالگی‌هایش را برافرازند. بنابراین روز بین‌المللی زنان جشنی دوگانه برای ما است. اما اگر این، تعطیلی همگانی برای تمام پرولتاریا است پس چرا ما آن را «روز زنان» می‌نامیم؟ پس چرا ما جشن‌ها و جلسات مخصوص که مشخصاً زنان کارگر و دهقان را مورد خطاب قرار می‌دهند، برگزار می‌کنیم؟ آیا این اتحاد و همبستگی طبقه‌ی کارگر را مورد خطر قرار نمی‌دهد؟ برای جواب به این سنوالات نگاهی به گذشته می‌افکنیم تا ببینیم که روز زنان چگونه شروع شد و به چه منظوری سازمان یافت.

روز زنان چرا و چگونه سازمان یافت؟

مدتی پیش در حقیقت، حدود ۱۰ سال پیش، مسأله‌ی برابری زنان و اینکه آیا زنان می‌توانند در جوار مردان در حکومت شرکت کنند بحث داغی بود. طبقه‌ی کارگر در تمام کشورهای سرمایه‌داری برای حقوق زنان کارگر مبارزه می‌کرد. بورژوازی نمی‌خواست این حقوق را بپذیرد. به نفع بورژوازی نبود که صدای طبقه‌ی کارگر را در پارلمان نیرومندتر کند. در تمام کشورها آن‌ها از تصویب شدن قوانینی که به زنان کارگر حق رأی- برای زنان با اصرار خاصی تأکید داشتند. در فوریه ۱۹۰۷ زنان سوسیالیست آمریکا تظاهرات و جلسات عظیمی در سراسر کشور برپا داشتند. آنان خواستار حقوق سیاسی

برای زنان کارگر بودند. این اولین «روز زنان» بود. بنابر این ابتکار سازمان دادن «روز زنان» به زنان آمریکا تعلق دارد. در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان کارگر سوسیالیست، کلارا زتکین مسأله‌ی سازمان دادن روز بین المللی زنان را مطرح کرد. کنفرانس تصمیم گرفت هر سال در تمام کشورها، زنان باید یک روز واحد را با شعار "حق رأی برای زنان، نیرویمان را در مبارزه برای سوسیالیزم متحد خواهد کرد." جشن گیرند. در آن سال ها مسأله‌ی دموکراتیک تر کردن پارلمان یعنی گسترش حق رأی و حق انتخاب شدن، به طوری که شامل زنان نیز گردد، امری حیاتی بود. حتی قبل از جنگ جهانی اول، کارگران در تمام کشورهای بورژوا به جز روسیه حق رأی داشتند. تنها زنان، در کنار دیوانگان بدون این حقوق باقی ماندند. با وجود این در همان زمان، واقعیت سخت سرمایه داری خواستار شرکت زنان در اقتصاد کشور بود. هر ساله تعداد زناتی که مجبور بودند در کارخانه ها و کارگاه ها کار کنند و یا مستخدم و پیشخدمت خانه ها شوند افزایش می یافت. زنان در کنار مردان کار می کردند و ثروت مملکت با دست های آنان ساخته می شد، اما زنان بدون رأی باقی ماندند. در سال های آخر ما قبل جنگ، افزایش قیمت ها حتی صلح جوترین زنان خانه دار را هم مجبور کرد که به مسائل سیاسی علاقمند شوند و بر علیه اقتصاد چپاولگرانه‌ی بورژوازی با صدای رسا اعتراض کنند. «شورش زنان خانه دار» مکرراً تکرار می شد و در اوقات مختلف در اتریش، انگلستان، فرانسه و آلمان اوج می گرفت. زنان کارگر فهمیدند که فقط کافی نیست در و تخته‌ی دکان ها را در بازار بشکنند و یا تاجر تک و توکی را تهدید کنند، آن ها فهمیدند که چنین حرکاتی مخارج زندگی را پائین نمی آورد. آن ها می بایست سیاست های حکومت را تغییر

بدهند. بدین منظور، طبقه‌ی کارگر باید حق رأی و حق انتخاب شدن را گسترش می‌داد. تصمیم بر این شد که در هر کشوری یک «روز زنان» به عنوان شکلی از مبارزه برای به دست آوردن حق رأی برای زنان کارگر برگزار شود، این روز می‌بایست روز همبستگی بین‌المللی در مبارزه برای اهداف مشترک و روزی برای ارزیابی نیروی سازمانیافته زنان کارگر در زیر پرچم سوسیالیست می‌بود.

اولین روز بین‌المللی

تصمیمی که در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست گرفته شد. در صفحه‌ی کاغذ نماند. تصمیم بر آن شد که اولین روز بین‌المللی زنان در روز ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار شود. این تاریخ اتفاقی انتخاب نشد. رفقای آلمانی ما این روز را انتخاب کردند، زیرا اهمیتی تاریخی برای پرولتاریای آلمان داشت. در ۱۹ مارس، در سال انقلاب ۱۸۴۸ شاه پروس برای اولین بار قدرت توده‌های مسلح را به رسمیت شناخت و در برابر تهدید شورش پرولتاریا سر فرود آورد. در میان تمام وعده‌هایی که او داد و بعداً خلاف وعده کرد، وعده‌ی دادن حق رأی به زنان بود. پس از ژانویه ۱۹۱۱ فعالیت‌هایی در آلمان و اتریش برای تدارک روز زنان شد. آنان برنامه‌های تظاهرات را شفاهاً و از طریق مطبوعات اعلام کردند. یک هفته پیش از روز زنان دو مجله منتشر شد، در آلمان «رأی برای زنان» و در اتریش «روز زنان» منتشر شد. مقالات مختلفی به روز زنان اختصاص داده شدند. «زنان و پارلمان»، «زنان کارگر و امور کشوری»، «رابطه‌ی زنان خانه‌دار با سیاست چیست؟» و غیره.

مسأله‌ی برابری زنان در حکومت و در جامعه به طوری همه جانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تمام مقالات بر یک نکته تأکید داشتند، اینکه برای دموکراتیک تر کردن پارلمان، حق رأی و حق انتخاب شدن زنان ضرورت مطلق دارد. اولین روز بین‌المللی زنان در سال ۱۹۱۱ برگزار شد. موفقیت آن فراتر از تمام انتظارات رفت. آلمان و اتریش در روز بین‌المللی زنان کارگر، دریای جوشان و ملتهبی از زنان بودند. جلسات در همه جا ترتیب داده شدند. در شهرهای کوچک و حتی در دهات. سالن‌ها چنان تنگاتنگ پر شدند که از کارگران خواسته شد که جای خود را به زنان دهند. یقیناً این اولین نمایش رزمندگی زنان کارگر بود. مردها به جای زنان با بچه‌ها در خانه‌ها ماندند و زنان، زنان خانه‌دار محبوس به جلسات رفتند. در اتریش با پلیس تصادم شد. طی بزرگ‌ترین تظاهرات خیابانی که در آن ۳۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند پلیس تصمیم گرفت که پرچم‌های تظاهرکنندگان را از آنان بگیرد. زنان کارگر مقاومت کردند. در برخوردی که به دنبال آمد، جلوی خونریزی با کمک نمایندگان سوسیالیست پارلمان گرفته شد. در سال ۱۹۱۳ روز بین‌المللی زنان به ۸ مارس منتقل شد. از آن پس تاریخ ۸ مارس، روز رزمندگی زنان کارگر باقی ماند.

آیا روز زنان ضروری است؟

روز زنان در اروپا و آمریکا نتایج حیرت‌آوری داشته است. درست است که هیچیک از پارلمان‌های بورژوا به فکر دادن امتیازی به کارگران نیفتادند و یا به درخواست‌های زنان جوابی ندادند، چرا که در آن زمان بورژوازی با

انقلاب سوسیالیستی تهدید نمی‌شد. اما روز زنان دستاورد داشت. برتر از همه تبدیل به روش عالی تبلیغ در میان خواهران پرولتری که کم‌تر سیاسی بودند شد. آن‌ها نمی‌توانستند به جلسات، تظاهرات، پُسترها، جزوه‌ها، روزنامه‌هایی که به زنان کارگر اختصاص داده شده بودند، بی‌توجه بمانند. حتی زنان کارگری که از نظر سیاسی در میان عقب‌افتاده‌ترین قرار می‌گرفتند نیز با خود فکر می‌کردند. "این روز ما است فستیوالی برای زنان کارگر" و به شتاب به جلسات می‌رفتند هر روز زنان کارگر، زنان بیش‌تری به احزاب سوسیالیستی می‌پیوستند و اتحادیه‌های کارگری رشد کردند. سازماندهی بهتر شد و آگاهی سیاسی رشد کرد. روز زنان خدمت دیگری هم کرد. همبستگی بین‌المللی کارگران را قوت بخشید. احزاب کشورهای مختلف معمولاً در این مواقع سخنران مبادله می‌کنند، رفقای آلمانی به انگلستان می‌روند، رفقای انگلیسی به هلند می‌روند و غیره، پیوستگی بین‌المللی زنان کارگر محکم و قوی شد و این بدین معنی است که نیروی مبارزاتی پرولتاریا مجموعاً رشد کرده است. این‌ها نتایج روز رزمندگی زنان کارگر است. این نتایج نشان می‌دهند، که کسانی که طوری حرف می‌زدند که گویا ارزشی ندارد که روز رزمنده جداگانه زنان برگزار شود، اشتباه می‌کردند. تجربه چندین ساله، چیزی دیگر به ما می‌آموزد. روز رزمندگی زنان کارگر به افزایش آگاهی و سازماندهی زنان پرولتاریا کمک می‌کند. یعنی سهم مهمی در موفقیت کسانی که برای آینده‌ای بهتر برای طبقه‌ی کارگر مبارزه می‌کنند، دارد.

روز زنان کارگر روسیه

زنان کارگر روسی اولین بار در سال ۱۹۱۳ در روز «روز زنان کارگر» شرکت کردند این دوره‌ی ارتجاع زمانی بود که تزار کارگران و دهقانان را در پنجه فاسد خود می‌فشرده. فکر اینکه «روز زنان کارگر» آشکارا و به شکل تظاهرات جشن گرفته شود نمی‌توانست مطرح باشد. اما زنان کارگر سازمانیافته قادر بودند که روز بین‌المللی خود را به ثبت رسانند. دو روزنامه قانونی طبقه‌ی کارگر، «پراودا»ی بلشویک‌ها و «لووچ» منشویک‌ها مقالاتی درباره‌ی روز بین‌المللی زنان داشتند. آن‌ها مقالات مخصوصی داشتند و عکس‌هایی از کسانی نظیر رفقای خارجی «اگوست بیل» و «کلارا زتکین» که مبارزه می‌کردند و در جنبش زنان کارگر شرکت داشتند. در آن سال‌های تاریک جلسات ممنوع بودند، اما در پتروگراد، در مرکز مخابراتی «کالاشیکووسکی» زنان کارگری که متعلق به حزب بودند، یک روز صبح، سخنرانی و بحث در باره‌ی مسأله‌ی زن ترتیب دادند. ورودیه ۵ کُپک بود. این جلسه غیرقانونی بود، اما سالن کاملاً پُر شده بود، اعضاء حزب صحبت کردند، اما قبل از اتمام این جلسه، پلیس که گوش بزننگ بود و احساس خطر می‌کرد مداخله کرد و بسیاری از سخنرانان را دستگیر نمود. اینکه زنان روسیه، که تحت ستم تزاری می‌زیستند، توانستند به مبارزه بپیوندند و به نحوی با عمل خود روز جهانی زنان را اذعان دارند اهمیت عظیمی برای کارگران تمام جهان داشت. این علامت خوبی مبنی بر آن بود که روسیه داشت بیدار می‌شد و زندان‌ها و چوبه‌های دار تزاری توان این را نداشتند که روح مبارزه جوئی و اعتراض جوئی کارگران را نابود کنند. در سال ۱۹۱۴ «روز زنان کارگر» در روسیه بهتر سازماندهی شد. هر دو روزنامه کارگران مربوط جشن بودند.

رفقای ما نیروی بسیاری به تدارک «روز زنان کارگر» روسیه اختصاص دادند. به خاطر دخالت پلیس آنان نتوانستند تظاهرات سازمان دهند. کسانی که دست اندرکار برنامه‌ریزی «روز زنان کارگر» بودند خود را در زندان‌های تزار یافتند و بسیاری از آن‌ها بعدها به شمال سرد فرستاده شدند. شعار «برای حق رأی زنان کارگر مبارزه کن» طبیعتاً در روسیه به درخواست صریحی برای سرنگونی اتوکراسی تزاری تبدیل شد.

روز زنان کارگر به هنگام جنگ امپریالیستی

اولین جنگ جهانی شروع شد. خون جنگ، سرپای طبقه‌ی کارگر تمام کشورها را دربر گرفت. در سال ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ «روز زنان کارگر» در خارج حادثه‌ای بی رونق بود. زنان سوسیالیست چپی که در نظریات حزب بلشویک سهیم بودند تلاش کردند که ۸ مارس را به تظاهرات ضدجنگ زنان کارگر مبدل کنند. اما احزاب سوسیالیست خیانتکار در آلمان و در سایر کشورها اجازه به زنان سوسیالیست ندادند که گردهمایی‌های خود را ترتیب دهند. از دادن پاسپورت به زنان سوسیالیست برای رفتن به کشورهای بیطرف، جاهانی که زنان کارگر می‌خواستند جلسات بین‌المللی برگزار کنند و نشان دهند که برخلاف امیال بورژوازی روح همبستگی در میان کارگران همچنان زنده است، امتناع شد. در سال ۱۹۱۵ فقط در نروژ توانستند که تظاهراتی در روز زنان برگزار کنند. نمایندگانی از روسیه و کشورهای بیطرف در آن شرکت کردند. فکر برگزار کردن روز زنان در روسیه واهی بود زیرا که قدرت تزاریزم و ماشین نظامی لجام گسیخته بود.

اما پس از آن، سال پُر عظمت ۱۹۱۷ فرا رسید. گرسنگی، سرما، محاکمات جنگی صبر زنان کارگر و دهقان روسیه را درهم شکست. در سال ۱۹۱۷ در ۸ مارس در روز زنان کارگر، آنان دلیرانه به خیابان های پتروگراد آمدند. زنان، برخی از کارگران، برخی از همسران سربازان، خواستار "نان برای فرزندان" و "بازگشت شوهران از سنگرها" بودند. در این زمان تعیین کننده مخالفت زنان کارگر چنان تهدیدآمیز بود که حتی نیروهای امنیتی تزاری جسارت نکردند که معامله معمولی را که با «یاغیان» می کردند، با آن ها نیز بکنند، بلکه با گنجی به دریای طوفانی خشم مردم چشم دوختند.

در سال ۱۹۱۷ روز زنان کارگر به روزی فراموش نشدنی در تاریخ مبدل شد. در این روز زنان روسی مشعل انقلاب پرولتاریا را برافروختند و تمام دنیا را به آتش کشیدند. این روز، روز آغاز انقلاب فوریه بود.

فراخوان ما برای رویارویی

«روز زنان کارگر» اولین بار ۱۰ سال پیش به عنوان جزئی از رشته اقداماتی بود که برای برابری سیاسی زنان و مبارزه برای سوسیالیسم سازمان یافت. این هدف برای زنان کارگر روسیه تحقق یافته است. در جمهوری شوراهای، زنان کارگر و دهقان نیازی به مبارزه برای حق رأی و حق انتخاب شدن و حقوق مدنی ندارند، آنان هم اکنون این حقوق را کسب کرده اند. زنان کارگر و دهقان روسی شهروندان برابر هستند. در دستشان سلاح قدرتمندی که مبارزه برای زندگی بهتر را سهل تر می کند، حق رأی و حق شرکت در شوراهای و تمام سازمان های اشتراکی را دارند.

اما داشتن حق به تنهایی کافی نیست. ما باید یاد بگیریم که از این حق استفاده کنیم. حق رأی سلاحی است که ما باید استادانه یاد بگیریم که چگونه از آن به نفع خود و به نفع جمهوری کارگران استفاده کنیم. در طی دو سال قدرت شوراها زندگی کاملاً تغییر نیافته است. ما فقط در جریان مبارزه برای کمونیزم هستیم. ما در جهانی که از گذشته تاریک و ستم پاران به ارث برده ایم در محاصره ایم. بندهای خانواده، کار خانگی، فحشاء، همچنان به سنگینی بر زنان کارگر فشار می‌آورند. زنان کارگر و دهقان فقط زمانی می‌توانند خود را از این شرایط رها سازند و برابری را در خود زندگی و نه فقط در برابر قانون کسب کنند که تمام نیرویشان را برای ساختن روسیه شورانی به عنوان یک جامعه‌ی واقعاً کمونیستی اختصاص دهند.

برای تسریع این امر، ما باید اول اقتصاد درهم شکسته روسیه را بسازیم. ما باید حل دو وظیفه‌ی فوری را بررسی کنیم. ساختن نیروی کار با انضباط و با آگاهی سیاسی و استقرار دوباره‌ی وسائط نقلیه. اگر ارتش کار ما خوب کار کند ما بزودی و دوباره صاحب ماشین بخار خواهیم شد، راه آهن شروع به کار خواهد کرد. این به معنی این است که زنان و مردان کارگر نان، هیزم و مواد خامی را که نیاز حیاتی بدان دارند به دست می‌آورند.

برگرداندن وسائط نقلیه به حالت عادی، پیروزی کمونیزم را تسریع خواهد کرد. با پیروزی کمونیزم برابری کامل و اساسی زنان جامعه‌ی عمل می‌پوشد. امسال در «روز زنان کارگر» زنان کارگر و دهقان، مادران، همسران و خواهران تمام هم خود را به کمک به کارگران و رفقای که در جهت غلبه به هرج و مرج در راه های آهن به راه انداختن دوباره‌ی وسائط نقلیه هستند اختصاص دهید! همه در جهت مبارزه برای نان و هیزم و مواد خام!

سال پیش روز کارگر این بود: «همه برای پیروزی جبهه‌ی سرخ». حال ما از زنان کارگر می‌خواهیم که نیروی خود را حول جبهه‌ی بدون خونریزی گرد آورند؛ جبهه‌ی کار! ارتش سرخ دشمن خارجی را شکست داد، زیرا سازمانیافته، با انضباط و آماده برای فداکاری بود. با سازماندهی، کار سخت، نظم و فداکاری جمهوری کارگران به دشمن داخلی نیز غلبه خواهد کرد، به خرابی وسائط نقلیه و اقتصاد، گرسنگی، سرما و بیماری.

«همه برای پیروزی جبهه بدون خونریزی کار! همه برای این پیروزی»

وظایف نوین «روز زنان کارگر»

انقلاب اکتبر به زنان برابری با مردان را تا آنجائی که به حقوق مدنی مربوط بود، داد. زن پرولتاریائی روسی کسی که چندی پیش، ستم‌دیده‌ترین و بدبخت‌ترین بود، حال در جمهوری شوراهای قادر است که با غرور به رفقا در کشورهای دیگر، راه برابری سیاسی و آزادی کامل زنان از طریق استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و قدرت شوراهای نشان دهد. شرایط فرق زیادی، با کشورهای سرمایه‌داری، جایی که زنان بیش از حد کار می‌کنند و فاقد امتیازات هستند، دارد. در این کشورها صدای زنان ضعیف و بی‌رمق است. این درست است که در کشورهای مختلف: نروژ، استرالیا، فنلاند و در برخی از ایالات آمریکای شمالی زنان حقوق مدنی خود را حتی پیش از جنگ به دست آورده بودند.

در آلمان، بعد از اینکه «قیصر» سرنگون شد و جمهوری بورژوازی به سرکردگی «مسالحه‌گران» مستقر شد، ۳۶ زن وارد پارلمان شدند اما حتی

یک کمونیست هم در میان آنان نبود. در سال ۱۹۱۹ در انگلستان یک زن برای اولین بار به نمایندگی مجلس انتخاب شد. اما او چه کسی بود؟ یک «خاتم» یعنی یک زمیندار، یک اشرافی. همچنین در فرانسه اخیراً مسأله‌ی دادن حق رأی و حق انتخاب شدن به زنان طرح می‌شود. اما فایده‌ی این حقوق برای زنان کارگر در چهارچوب پارلمان بورژوازی چیست؟ در حالی که قدرت در دست سرمایه‌داران و زمینداران است، هیچ حق سیاسی، زنان کارگر را از موقعیت سنتی بردگی خانگی در خانه و جامعه نجات نمی‌دهد. بورژوازی فرانسه آماده است که رشوه‌ی دیگری به طبقه‌ی کارگر دهد. در مقابله با رشد نفوذ عقاید بلشویکی در میان پرولتاریا، آنان حاضرند که به زنان حق رأی بدهند.

آقای بورژوا، آقا- خیلی دیر شده است!

بعد از تجربه‌ی انقلاب روسیه، برای هر زن کارگر در فرانسه، در انگلستان و در سایر کشورها واضح است که فقط دیکتاتوری طبقه‌ی کارگر، فقط قدرت شوراهای می‌تواند برابری تمام و کمال را ضمانت کند. فقط پیروزی نهایی کمونیسم می‌تواند زنجیرهای قرنی از ستم و نبود حقوق را پاره کند.

اگر وظیفه‌ی روز بین‌المللی زنان کارگر پیش از این و در مقابل برتری پارلمان‌های بورژوازی مبارزه برای حق رأی زنان بود، طبقه‌ی کارگر امروزه وظیفه‌ی نوینی دارد، سازماندهی زنان کارگر گرد شعار رزمنده‌ی انترناسیونال سوم. به جای درخواست شرکت در کار پارلمان بورژوا.

به آوانی که از روسیه می‌آید گوش دهید.

"زنان کارگر تمام کشورها! جبهه‌ی متحد پرولتاریا را برای مبارزه علیه کسانی که دنیا را غارت می‌کنند سازمان دهید! سرنگون باد پارلمانتاریزم

بورژوازی! ما قدرت شوراها را خوشآمد می‌گوینم! نابود باد نابرابرهای که مردان و زنان کارگر را رنج می‌دهند! ما به همراه کارگران برای پیروزی کمونیزم در جهان مبارزه خواهیم کرد!"

"این آوا، اولین بار در میان تجربیات نظم نوین به گوش رسید. در جنگ داخلی به گوش زنان کارگر کشورهای دیگر خواهد رسید و قلوب آنان را خاطره‌ای به طپش خواهد انداخت. زنان کارگر گوش خواهند داد و به درستی این آوا ایمان خواهند آورد. تا همین اواخر آن‌ها تصور می‌کردند که به دست آوردن حق رأی ارزش دارد. تصور می‌کردند که اگر بتوانند چند نماینده به پارلمان بفرستند زندگی آسوده‌تری خواهند داشت و ستم سرمایه‌داری قابل تحمل‌تر خواهد شد. حالا آن‌ها چیز دیگری می‌دانند.

فقط سرنگونی سرمایه‌داری و استقرار قدرت شورائی می‌تواند آنان را از دنیایی از عذاب‌ها، تحقیرها و نابرابری‌ها که زندگی زنان کارگر را در کشورهای سرمایه‌داری چنان سخت می‌کند، نجات دهد" «روز زنان کارگر» از روز مبارزه برای حق رأی و حق انتخاب شدن به روز بین‌المللی مبارزه برای آزادی تمام و کمال زنان تبدیل می‌شود، یعنی مبارزه برای پیروزی شوراها و کمونیزم.

* سرنگون باد جهان مالکیت و قدرت سرمایه!

* نابود باد نابرابری، نبود حقوق و ستم بر زنان، میراثی از دنیای بورژوا.

* پیش به سوی اتحاد بین‌المللی زنان کارگر و کارگران در مبارزه برای

دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای هر دو جنس!

کولنتای